اسفند ماه ۱۳۴۷ — دورهٔ ششم، شماره چهل وهفتم

ماهنامهٔ

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

درود آتشین به دلاوران ویت نام جنوبی که بار دیگر امپریالیسم امریکا و چاکرانش را با ضربات جانانه خود میکوبند!

پنجاهمین سالگرد تأسیس انترناسیونال کمونیستی

پنجاهمین سالگرد تأسیس انترناسیونال کمونیستی واقعه برجسته‌ای در تاریخ جنبش انقلابی جهانی است. انترناسیونال کمونیستی یا کمینترن سازمان جهانی احزاب کمونیست و کارگری بود که در شرایط تاریخی مشخص در وفق نیازمندیها و وظائف جنبش انقلابی کارگری پدید آمد. پس از پیروزی اکتبر بزرگ جنبش کارگری و جنبشهای آزادی بخش ملی در سایر کشور ها اوج گرفت و بر بنیاد آن تشکیل احزاب کمونیست آغاز گردید.

لنین برای پیشرفت و پیروزی انقلاب مبارزه آشتی ناپذیر با اپورتونیسم، شوینیسم و ناسیونالیسم سران انترناسیونالیسم دوم و اتحاد تمام نیرو های سالم جنبش کارگری را بر پایه مبارکیسم انقلابی و تبدیل آنها به احزاب طراز نوین را ضرور میدانست.

در ژانویه سال ۱۹۱۹ جلسه مشاوره‌ای تحت رهبری لنین بشرکت نمایندگان احزاب

دنباله در صفحه ۲

نظری به مناسبات اعراب و اسرائیل و بحران خاور میانه

هدفهای توسعه طلبانه اسرائیل

بحران خاور میانه که مولود تجاوز اسرائیل به پشتیبانی امپریالیسم امریکا و آلمان غربی بکشورهای عربی است، همچنان ادامه دارد و صلح جهانی را تهدید میکند. ۲۱ ماه است که اسرائیل با جنگ تجاوز کارانه خود قسمتهای مهمی از خاک مصر و سوریه و اردن را اشغال کرده و با وجود دخالت سازمان ملل‌متحد وقبول آتش بس از طرف اسرائیل مکرر و باشکال مختلف باقدامات تجاوز کارانه خود ادامه داده و میدهد. حملات دائمی هوائی و زمینی بخاک اردن، بمباران حومه شهر دمشق، عملیات گانگستری در فرودگاه بیروت، حملات متعدد بساحل غربی کانال سوئز نمونه هائی از اینگونه اقدامات است. چنین پیداست که تندروترین محافل ارتجاعی اسرائیل نه تنها قصد تصاحب دائمی زمینهای اشغالی را دارند، بلکه نقشه های توسعه طلبانه دیگری نیز در مغز خود طرح کرده اند که در فرصت مناسبی آنها را اجرا نمایند. سیاست اسرائیل در مناطق اشغالی شبیه بهمان سیاستی است که برای راندن اعراب از خاک اصلی فلسطین بکار بردند. ترور، تخریب، مصادره، قتل عام، آتش زدن خانه ها، معملات و فراء از جمله وسائلی است که اسرائیل برای راندن اعراب از زاد بومشان بیرحمانه بکار میبندد. هم اکنون قریب دو میلیون نفر عرب در مناطق اشغالی و بیابانهای مجاور فلسطین پریشان و سرگردان و بلاتکلیف بنابودی تهدید میشوند. صهیونیست ها که روزی بنام دفاع از قوم یهود علیه فجایع فاشیست های هیتلری ناله و نعره و استغاثه میکردند، اکنون خود بهمان شیوه های فاشیستی دست میزنند. کسانی مانند موشه دایان با پشتیبانی ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی امریکا و آلمان غربی نیروی نظامی اسرائیل را از لحاظ کمی و کیفی چنان مسلح میکنند که گوئی قصد تصاحب تمام خاور میانه را دارند. تحویل پنجاه فروند هواپیمای فانتوم امریکائی باسرائیل وهمکاری آلمان غربی با اسرائیل برای تهیه کردن

دنباله در صفحه ۴

برخی جوانب مبارزات زنان ایران در راه برابری حقوق

جنبش زنان ایران، پیشینه‌ای دراز و افتخارآمیز دارد. دیروز وامروز آغازنشده است راه دشواری‌راز میان سد های سدیدمقاومت ارتجاع و امپریالیسم، خرافات مذهبی، آداب و رسوم کهنه، جهل و کمی اندیشی محیط گذرانده و هنوز هم مجاهدت فراوانی را توأم با انواع پای بند ها در پیش دارد. برای طی این راه و عبور از موانع بدون تردید کار وسیع توضیحی، تشکل روز افزون، انتخاب شعار های تجهیز کننده و ارائه هدف روشن و مشخص ضرور است. حزب مابمثابه یك حزب پیشرو، از آغاز پیدایش خود با روشن بینی یك حزب مارکسیست ـ لنینیست توجه خاص به‌اهمیت مبارزه زنان چه درعرصه صنفی برای تأمین حقوق اجتماعی و اقتصادی و چه در عرصه سیاسی برای مبارزه علیه استعمار و ارتجاع داشته است.

۲۷ سال پیش حزب ما بعنوان تنها سازمان‌سیاسی متشکل و نیرومند مسئله تساوی حقوق زن و مرد را مطرح کرد. شعار های مترقی حزب ما در این زمینه از آنچمت که از واقعیت زندگی زنان منشاء میگرفت در آنملك زمانی هزاران

مبارزات درعشان زنان پیشرو: پیروزیهای حال و آینده

دنباله در صفحه ۹

نوروز ۱۳۴۸

سال طی شد و نوروزی دیگر رسید.

این جشن دیرینسال ملی ما که با شکفتگی و بیداری طبیعت همراه است، یکی از زیباترین «دلانگیزترین و طبیعی‌ترین جشنهای جهانست و آنرا» علاوه بر خلق‌های میهن ما، خلقهای دیگر نیز میشناسند و بر پا میدارند.

روشن است در چشمه‌ای مقتدر جامعهٔ ایران که آنرا تنها اقتضات شدید طبیعتی، پرتگاه سهمیی از فقر و ثروت از هم میدرد، فرخنده اوروز یکسال در کدهها و کاخ ها فرود نمیاید، جمالی پر عشرت، جمالی دیگر بر بر حسرت میافزاید. ولی مابهر حال در این جشن، برای زحمتکشان کشور خود آرزومند و مشتاق سرفرازی هستیم که با آنهمه فدا، کارزهای دیروزی و بایدهزهای امروزی الحق برازنده آنند.

بویژه در این روزها دلهای ما نزد زندانیان سیاسی است که در همه زندانهای کشور بخاطر عقاید خویش در بندند. ما بآنها و بخانواده های آنها که بار فراق عزیزان خود را بردل دارند، درود میفرستیم و خود را در اندوه وانتظار آنها شریك میشمریم، بهمدلان که زمستان دسرد ملهمت را موانع نیست و بهار خرمی بخش را آرزو دارد، شب ضیاءدار نیز همواره نخواهد یافت و بامداد آزادی واقعی مردم زحمتکش کشور ما در خواهد دمید و در آنهنگام عید حقیقی در کوچه ها و خانه‌های معطر ما نیز پای خواهد نهاد.

هیئت تحریریه ماهنامه «مردم»

بمناسبت جشن نوروز باستقبال سال ۱۳۴۸ بهمه میهنپرستان مشد رزم، بهمهٔ رفقای حزبی و هواداران حزب از صمیم قلب شادباش میگوید تندرستی و بهروزی آنانرا آرزومند است.

هیئت تحریریه مردم

کنگره جهانی زنان

کنگره جهانی زنان بدعوت فدراسیون دمکراتیك بین المللی زنان از ۱۴ تا ۱۸ ژوئن ۱۹۶۹ در هلسینکی تشکیل میشود. این کنگره که هم اکنون از طرف زنان جهان در سراسر دنیا با شور و هیجان تدارك میگردد توجه اساسی خودرا به نقش زن در دنیای امروز معطوف داشته سعی مینماید اشکالاتی که شرکت زن را در زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مانع میگردد به بحث گذارده برای تسهیل امور زندگی زن و تساوی کامل با مرد در تمام شئون وسائل مؤثر و قاطع یافته و اقداماتی اساسی مبذول دارد.

علاوه بر گزارش اصلی که بوسیله دبیر کل فدراسیون داده خواهد شد و همان زن در دنیای معاصر است گزارشهای دیگری در باره وضع زن در زندگی خانوادگی، اجتماعی، زنان کارگر و همدردی با زنان و کودکان ویتنام داده خواهد شد. کنگره زنان برای تساوی حقوق زن و مرد، تعلیم و تربیت مساوی با مرد را یکی از شرائط اولیه میداند و بدین سبب توجه زنان جهان‌را به مبارزه با عدم تساوی در امر آموزش و بخصوص آموزش تخصصی و در کشورهای در حال رشد بمبارزه با بیسوادی جلب میکند.

برای تدارك این کنگره وسیع‌وسائل و مشکلاتی که دامنگیر زندگی زن است تاکنون چندین سمینار تشکیل شده که از جمله سمینار مولتولن و نیز سمینار های مکزیك و شیلی در باره وضع عمومی زنان امریکای لاتین میباشد.

هیئتی از طرف فدراسیون دمکراتیك بین المللی زنان برای بررسی وضع زنان آسیائی به هندوستان، افغانستان، نپال و سیلان سفر کرد و پس از مطالعه وضع آن کشورها در نظر گرفت که مراکز آموزشی و کمکی در چند کشور آسیائی تشکیل دهد که در این مراکز علاوه بر مبارزه با بیسوادی و تعلیم کادر های آموزشی کتابخانهٔ مخصوص زنان و کلاسهای تخصصی ملمانی و خیاطی و غیره نیز شروع بکار خواهد کرد.

فدراسیون با تمام نیرو به مبارزه زنان

دنباله درصفحه ۹

انتخابات انجمنهای دانشجوئی چگونه برگزار شد؟

مدت دو سال دانشجویان بخاطر تحقق هدفهای صنفی برای بدست آوردن ابتدائی ترین حقوق دانشجوئی مبارزه کردند. رژیم با تمام امکانات خود با دانشجویان مقابله نمود. گروه گروه بزندان فرستاد، ده‌ها نفررا روانه سرباز خانه ها نمود و گرفتاریهای دیگری ایجاد کرد، ولی نتوانست جنبش دانشجویان را درهم شکند. مخالفین جنبش

دنباله در صفحه ۹

با ایمانی محکم بسوی آینده

(انقلاب علمی و فنی و دورنمای تحول اجتماعی جهان)

خوش بینی انقلابی

خوش بینی و ایمان بآینده خصیصه مبارزان انقلابی است . این خوش بینی پندارهای و عامیانه نیست ، بلکه بر مبنای علم و واقعیت متکی است . این یك ایمان کورو تعبدی نیست ، بلکه بر درك آگاهانه قوانین حرکت اجتماع ، بر باور به نیروی آفریننده انسانها متکی است . یك مبارز انقلابی در تاریکترین پیچ های حوادث باور بی تزلزل خویش را بظفرمندی نهائی امر حق ، امر توده ها ، امر سوسیالیسم و کمونیسم هرگز از دست نمیدهد و دشواریها و شکست های گذرا ، افق دید او را تیره نمیسازد . شعشعه های « عالیانه » او را گمراه نمیکند .

پایه های علمی خوش بینی انقلابی

خوش بینی و ایمان ما به آینده در شرایط کنونی مبتنی بر این واقعیت عیان است که هم در عرصهٔ رشد قوای مولده و هم

در عرصه مناسبات تولید تحولاتی روز بروز سریعتر و قویتر بسود سوسیالیسم و بزیان سرمایه داری بعنوان یك فرماسیون متروك اجتماعی در جریان است .

درعرصهٔ رشد قوای مولده ما با انقلاب

علمی و فنی بیننظیری روبرو هستیم ، دست یافتن بر انرژی اتمیك ، هسته ای ، تکنیك راکت و کیهان نوردی ، اتوماسیون و سیبرنتیك ، شیمی پولیمرو آترپاء ، کشف خواتین و ساختمان درونی یاخته های ارثی و غیره و غیره از جمله بخشهای مختلف این انقلاب علمی و فنی است . هیچ دانشی اعم از طبیعی و اجتماعی نیست که طی دهه های اخیر دستخوش تحولات عمیقی نشده باشد . معرفت ما نسبت به قوانین طبیعت و جامعه بشکل تصاعدی درحال افزایش است و حجم معلومات ما نسبت به چند دههٔ پیش چند برابر شده است .

این انقلاب علمی و فنی ، بویژه نقش مسئله اتوماسیون روز افزون و دخالت کامپیوترها (یا ماشینهای حساب الکترونیك) در تنظیم و ادارهٔ تولید بازی میکنند ، بآنجا رسیده که علم بیکی از قوای مولیدیه عمل شده و مسئلهٔ پیروزی در عرصهٔ انقلاب علمی و فنی به یکی از مرکزی ترین وظایف بدل گردیده است .

مسئله اینجاست که جوامع سوسیالیستی بعلت داشتن رهبری متمرکز و علمی ، اجتماعی بودن تولید و مالکیت ، سعت انسانی مصرف عمومی ، رهائی بودن از بحرانها و افت های ادواری و هرج و مرج تولید ، فارغ بودن از مصارف بیمصرف و عدم تعادل اجتماعی و مبارزات آشتی ناپذیر طبقاتی ، همه گونه شانسی را دارند که در عرصهٔ انقلاب علمی و فنی بر حریف سرمایه دار گام بگام به پیروزی قطعی نائل آیند .

اینکه اتحاد شوروی در مدتی کوتاه ، علیرغم مصائب عظیم جنگها ، توانست یکی از دو قدرت درجه اول جهانی بدل شود ، نخستین دولتی باشد که راه بر کیهان گشوده ایستگاه برقی اتمیك ساخته ، اولین هواپیمای جت و سپس اولین هواپیمای ماوراء صوت مسافری را ایجاد کرده ، دارای بزرگترین ایستگاه برق آبی و بزرگترین دستگاه مسرعه پروتونی جهان است و در فیزیك و ریاضیات جائی نخستین را دارد و چهار برابر ایالات متحده امریکا مهندس تربیت میکند و غیره ، خود بهترین نمودار امکانات شگرف سوسیالیسم است که علیرغم محرومیت ها ، عقب ماندگی ها ، نیرومند ترین حریف سرمایه داری را پشت سر گذاشته است .

اتحاد شوروی در جاده اوج

دلیل به نخستین مقام در زمینه عرصه های قاطع علم و فن ، برای سوسیالیسم و بویژه اتحاد شوروی طی چند دههٔ آینده امری است مسلم . دلیل آن دستاورد های عظیم گذشته است . دلیل آن آهنگ رشد در زمینه اقتصاد و فرهنگ است که از آهنگ رشد کشور های سرمایه داری سریعتر و ثابت تر است . دلیل آن وجود معضلهای طبیعی فوق العاده مساعد رشد سریع است .

اگر صلح جهانی حفظ شود ، که امروز عوامل متعددی برای حفظ آن وجود دارد ، در آصورت این پروسهٔ تاگزیر بدون انحراف و نوسان پیش خواهد رفت و نخستین کشور سوسیالیستی جهان به نیرومند ترین جامعهٔ صنعتی و علمی آینده بدل خواهد گردید . این امر در سرنوشت سوسیالیسم در جهان و از آنجمله در سرنوشت جنبش انقلابی کشور و میهن ما آنچنان تاثیرات ژرفی خواهد داشت که نه فقط بنگ کونیست ، بلکه حتی هر میهن پرست دیگر ایرانی نمیتواند آنها را درنظر نگیرد .

برتریهای جامعهٔ نوین

اما آنها در زمینه رشد قوای مولده نیست که سوسیالیسم برتری خود را ثابت میکند . عرصهٔ قاطع عرصهٔ مبارزات طبقاتی است . سرمایه داری قادر نیست بخواستهای مردم جهان در باره ایجاد یك جامعه متحد جهانی فارغ از جنگ و استثمار ، استعمار ، جهل و فقر و خرافه پاسخ مثبت دهد . سوسیالیسم (یعنی مالکیت اجتماعی ابزار تولید ، رهبری آگاهانه و نقشه ای سیر اجتماع ، حاکمیت دموکراتیك خلق بر هبری طبقه کارگر ، تسلط راسیونالیسم علمی) تنها وتنها پاسخ و حل صحیح به خواستهای این دوران معظم تاریخی است . سوسیالیسم بدین معنای روشن و صریح خود طی مبارزات طبقاتی گاه خونین و گاه بیخون ، گاه قهر آمیز و گاه مسالمت آمیز ، سرانجام در مقیاس جهانی پیروز خواهد شد و این پیروزی یك تحول انقلابی در تاریخ انسانی است زیرا بساط نظام سرمایه داری را برمیچیند و صورتبندی اجتماعی - اقتصادی نوینی بنام سوسیالیسم را جانشین آن میکند . بقول مارکس این تحول حرکتی است از ماقبل تاریخ بشری بتاریخ وی ، حرکتی است از عرصه جبر به عرصهٔ اختیار اردوگاه سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی در زمینهٔ این نبرد عظیم طبقاتی نقش قاطع دارد .

سقوط ایده ئولوگهای بورژوا

ایده ئولوگهای بورژوازی در هر دوی این زمینه ها سقوط میکنند و مدعی هستند کوبا انقلاب علمی و فنی جهان را « ایده ئولوژی زدائی » کرده ، مبارزه طبقاتی را زائد ساخته و مسائل جهان را بدون مبارزه این مبارزه حل میکند و کوبا سرمایه داری در این زمینه قدرت انطباق و خلاقه بیشتری از سوسیالیسم نشان میدهد و حتی کوبا کشور های سوسیالیستی پیش از پیش از مغرب سرمایه داری عقب میمانند !

هر دوی این دعاوی غلط است . تحول قوای مولده بدون تحول مناسبات تولیدکاری را نمیتواند حل کند . البته تحول قوای مولده در عصر انقلاب علمی و فنی معاصر کار را بجائی میرساند که مناسبات تولیدی سرمایه داری (بمثابه مناسبات مبتنی بر تملك خصوصی افزار تولید) بیش از پیش از صحنه تاریخ رانده میشود ، ولی بهر جهت مسئله اینجاست که این مناسبات که بر بنیاد تملك و تصرف خصوصی نتائج یك تولید بیش از پیش اجتماعی است نمیتواند در تاریخ دوام آورد . صحبت ایده ئولوژی زدائی نیز سخن پوچی است . ایده ئولوژی علمی برای ما تنظیر تجارب تاریخ معاصر است و آنرا نمیتوان از دماغ میلیون هائی که به پا خاسته اند بیرون آورد . ایده ئولوژی زدائی یعنی زدودن زدوده ، زدودن این ایده ئولوژی یعنی زدودن جامعه شناسی علمی . سقوط هائی که بنام این ایده ئولوژی گاه از چپ و گاه از راست میشود سرانجام به صفره استوار واقعیات برخواهد خورد و خورد خواهد شد . این ادعا نیز که کوبا سرمایه داری « قدرت انطباق و خلاقه و قوی تری بر دوران انقلاب علمی و فنی نشان میدهد سخنی است بی پا . آنکسی در انقلاب علمی و فنی پیروز میشود که قدرت تمرکز و تشکل علمی ، سرمایه گذاری نیرومند ، تربیت وسیعتر کادر علمی و تجهیز نیرومند قوای انسانی از خود نشان دهد . حتی جامعه شناسان امریکائی که امروز از اجتماع علمی » فردا که بنظر آنها بعد از جامعه صنعتی » فرا میرسد ، سخن میگویند بر آنند که اتحاد شوروی که ۴ برابر امریکا کادر علمی ، فنی پرورش میدهد بسی از امریکا شتابی تبدیل شدن بچنین جامعه ای را دارد . چرچیل سالها پیش دربارهٔ توفیق عظیم شوروی در تربیت کادر علمی به باختر زنهار باش داد . حتی این امپریالیست فرتوت کوبا متوجه بود که وزش تاریخ از کدام سو است لذا هراسان بچنان آمده بود .

روشن است که امریکا که مدتهاست به « گریزانترین مغز ها » مشغول است و صد و پنجاه سال است در بستر ثروت و صلح لمیده عجالتاً در پرتی مسائل دارای امتیازاتی است . ولی « مرد آخرین مبارك بندهاست » همان اتحاد شوروی که از سطح بدوی سال

دنباله از صفحه ۱

تأسیس انترناسیونال کمونیستی

کمونیست چند کشور تشکیل شد و در آن از ۳۹ حزب و گروه انقلابی کشور های مختلف دعوت بعمل آمد که در کنگره مؤسسان انترناسیونال جدید بجای انترناسیونال دوم شرکت کنند .

کنگرهٔ مؤسسان کمینترن از ۲ تا ۶ مارس سال ۱۹۱۹ در مسکو برگزار شد و از آن پس تا سال ۱۹۳۵ شش کنگره دیگر هم تشکیل گردید . هفتمین کنگره کمینترن (ژوئیه - اوت ۱۹۳۵) حائز اهمیت تاریخی عظیم است . در همین کنگره بود که استراتژی و تاکتیك احزاب کمونیست برای مبارزه علیه فاشیسم و پیشگیری جنگ جهانی جدید تنظیم گردید .

حزب کمونیست ایران از همان نخستین کنگره انترناسیونال کمونیستی به عضویت کمینترن در آمد و نمایندگان آن در کار کمینترن و کنگرههای آن شرکت فعال میکنند .

کمینترن در دوران حیات پرافتخارخود با برقراری پیوند میان جنبش جهانی کارگری و مارکسیسم - لنینیسم رسالت تاریخی خود را در فاصله میان دو جنگ جهانی انجام داد .

در دوران جنگ دوم جهانی تنوع اوضاع و احوال کشور های مختلف دروضع کمینترن بعنوان مرکز واحد مجموعه جنبش کمونیستی تغییرات اساسی بوجود آورد زیرا احزاب مختلف در شرایط بکلی متفاوت فعالیت میکردند . در چنین شرایطی رهبری جنبش جهانی از یك مرکز واحد نه تنها عملا غیر ممکن بود بلکه صحیح هم نبود زیرا کار را به ایجاد تصمیماتی مقایر با خصوصیات و شرایط عینی کشور های مختلف میکشاند . بانجهت هیئت رئیسه کمیته اجرائی کمینترن در ماه مه سال ۱۹۴۳ با تصویب تمام شعب خود تصمیم به انحلال کمینترن گرفت .

جنبش جهانی کمونیستی طی ۵۰ سالی که از تأسیس کمینترن میگذرد تجربه فراوان اندوخته و نشان داده است که کمونیست ها فقط دوشرایطی میتوانند پیروزی خود را تأمین کنند که بطور متحد و بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری عمل نمایند .

برای اطلاع بیشتر خوانندگان از جوانب گوناگون فعالیت کمینترن در مقاله مفصل در مجله «دنیا» و نشریه «مسائل بین المللی» منتشر خواهد شد .

جانشین پس از جنگ داخلی بعد اعجاز آمیز امروزی رسیده ، با تدارکات وسیع اجتماعی در زمینه ثروت بی‌مانند طبیعی خود که بطور عمده هنوز دست نخورده است قادر است به اوجی شگرف برسد ، این مطلب را چند دهه آینده چنان ثابت خواهد کرد که از بدیهیات همه فهم خواهد شد .

*

چنین است باید یك ایمان علمی ، ایمانی که نتیجه حساب و سالوسی ، نتیجه تعصب کور و سفیهانه نیست بلکه نتیجه درك واقعی قوانین حرکت جامعه معاصر است . باید با این ایمان مجهز شد و با این مشعل در تاریکی حرمانها و مشکلاتی که ما را در لحظات معینی آزار میدهد پیش رفت . ا . سپهر

صحنه هائی از زندگی مردم

بشهادت مطبوعات ایران

مشت نمونه خروار ـ عدم اجرای قانون کار ـ یك پزشك برای ۱۵۰۰۰ نفر ـ ۸ تومان دستمزد برای کار ۲۴ ساعته ـ مفهوم تازه ای از بیمه های اجتماعی ـ د که های واژگون شده ـ کار نوانفرسای کودکان ـ پارك !! سلسبیل ـ مطبوعات و فیلم در خدمت ابتذال

مشت نمونه خروار

رژیم ایران مدعی است که بااجرای «انقلاب سفید» گویا کشور را دو قرن بجلو پرتاب نموده است !! با آنکه بعلت سانسور شدید سازمان امنیت ، منعرجات مطبوعات ایران ، انعکاس واقعی زندگی مردم نیست ، ولی از خلال همین مطالب سانسور شده هم مشت های نمونه خروار فراوان است و ما میخواهیم با نقل برخی از آنها ، گوشه هائی از زندگی مردم را نشان دهیم !

عدم اجرای قانون کار

یکی از اصول «انقلاب سفید» بنا بر ادعای مکرر شاه ، بهبود و اعتلاء زندگی کارگران است . اما واقعیت را از زبان یکی از نمایندگان حزب پان ایرانیست در مجلس بشنوید، روشن است که این افتاکاری بهیچوجه ناشی ازعلاقه این حزب به زحمتکشان نیست ، بلکه ناشی از سیاست سالوسانه هیئت حاکمه است که برای اغوای مردم و جلب آنان به این حزب دولتی ، دست مطبوعات و نمایندگان آنرا در انتقاد از برخی جوانب سیاست رژیم عمداً باز گذارده است .

نماینده حزب پان ایرانیست در سئوال خود از وزیر کار میگوید :

«ده سال است این قانون (منظور قانون مربوط به حقوق و مزد کارگران ماهیگیر و ملاحان و کارکنان کشتی است) تصویب شده کو آئین نامه های مربوط به این قانون ؟ کو آئین نامه مربوط به کارگران کشتی ها و بنادر؟ اینها سخت کش ترین کارگران هستند، اینها رنج بزرگ میبرند ، مبله های بزرگ آهن را با شانه هایشان میآورند پائین ، در کشتی ها دستشان قطع میشود ، پایشان قطع میشود ولی آقایان هنوز قانون کار در مورد آنها تهیه نمیشود . . . (روزنامه خاك وخون ۳ آذر ۱۳۴۷)

یك پزشك برای ۱۵۰۰۰ نفر

وضع تأسف آور کارگران ازا کی را بهنگام بیماری، مجله تهران مصور توصیف میکند :

«درمانگاه بیمه های اجتماعی اراك فقط یك پزشك دارد که روزانه حداقل ۱۵۰ نفر مریض مراجعه کننده دارد ، و ۱۵۰۰۰ کارگر ازا کی و خانواده آنها فقط یك بیمارستان ، ۵ تختخوابی دارند . درآمدی که از محل ۱۸ در صد حقوق و مزایای کارگران بعنوان حق بیمه در ماه گرفته ، میشود ، در حدود ۱۵۰۰۰۰ تومان میشود ، با اینحال آمبولانس ندارد و اگر احتیاج باید بیماری بستری شود باید به تهران برود . کارگران بیمه شده اراك برای بیماری چشم باید به تهران بروند ، زیرا حتی وسیله اولیه معاینه چشم هم موجود نیست (تهران مصور ۳ دی)

۸ تومان دستمزد برای کار ۲۴ ساعت

رژیم مدعی است که قانون کار در سراسر کشور اجرا میشود . بموجب قانون کار با تمام نقائص آن ، کار روزانه کارگران به مدت ۸ ساعت تعیین شده . صرفنظر از آنکه در اکثریت قریب باتفاق کارگاهها و کارخانه های شهرستانها این ماده از قانون کار بهیچوجه اجرا نمیشود. در قلب کشور، در مرکز تهران نیز قانون در بسیاری از موارد بلا اجرا مانده است .

مخبر روزنامه اطلاعات با کارگران میدان بار فروشها در تهران مصاحبه ای نموده. کارگران مشکلات عدیده کار خود را برای مخبر اطلاعات باز گو نموده‌اند و از جمله در جواب خبر نگار که میپرسد در روز چند ساعت کار میکنید میگویند ۲۴ ساعت ووقتی از دستمزد آنها میپرسد میگویند روزانه بین ۸ تا ۱۰ تومان . (اطلاعات ۱۵ آذر ۱۳۴۷)

مفهوم تازه‌ای از «بیمه‌های اجتماعی»

قانون کار و بیمه های اجتماعی نه فقط جوابگوی نیازمندیهای کارگران در حین خدمت نیست ، بلکه در سنین پیری یکی از غم آنان غافل مانده است . سئوال یکی از نمایندگان حزب پان ایرانیست از وزیر کار و امور اجتماعی این واقعیت را تأیید میکند ، «کارگران پس از بازنشسته شدن از مزایای بیمه های اجتماعی محروم میشوند و دفترچه درمانی آنها پس گرفته میشود ، باتوجه باینکه کارگر پس از سالیان متمادی در خدمت و در سنین پیری و پس از بازنشستگی احتیاج بیشتری به حمایت دستگاههای درمانی و بهداشتی دارد ، چنین عمل دور از عدالت و مفهوم بیمه های اجتماعی را چگونه تعبیر میکنید ؟ (خاك و خون ۵ آذر ۱۳۴۷)

د که های واژگون شده

زندگی رقت بار برخی از صنوف زحمتکش نیز در پرتو «انقلاب سفید» شایان دقت است اطلاعات تحت عنوان «د که های واژگون» شکایت صنف بیخفروش تهران را بشرح زیر درج نموده است :

«د که داران گفتند که مأموران شهرداری به استناد مادهٔ قانون بی آنکه تکلیفی برای کسب و کار ما و زندگی افراد خانواده صنف د که دار تعیین کنند ، برای جمع آوری دو هزار و پانصد د که بیخ فروش که سرمایه هریك از آنها بیش از یکهزار ریال نیست اقدام کرده و در بسیاری از محلات د که ها را واژگون ساخته‌اند» (اطلاعات ۱۸ آذر)

صاحبان د که ها و افراد اتحادیه د که داران میگویند ، چون این د که ها در برابر جواز و موافقت شهرداری بنا داده شده ، برداشتن آنها باید پس از جلب نظر وموافقت افراد اتحادیه باشد . ولی شهرداری را چه کار به نظر مردم ، او بدون توجه بزندگی و کفاف خانواده ۲۵۰۰ بیخ فروش خوشحال است که گشایش معبر !! کرده است .

کار توانفرسای کودکان

عدم اجرای قانون کار منحصر به کارگران بزرگسال نیست ، بلکه خردسالان نیز از شمول قانون بر کنار مانده‌اند. هزاران هزار کارگر کارگاههای قالی بافی کودکانی هستند که هنوز به سن ۱۲ سالگی نرسیده‌اند و طبق قانون کار ، هیچ کار فرمائی حق استفاده از نیروی کار کودکان کمتر از ۱۲ سال را ندارد . ولی استفاده از نیروی کار کودکان کمتر از ۱۲ سال منحصر به کارفرمایان کارگاههای قالی بافی نیست در اکثریت مطلق کارگاهها و کارخانه های کشور کودکان کمتر از ۱۲ سال بادستمزد قلیل به کار های دشوار وجانفرسا اشتغال دارند. در یکی از جلسات اخیر مجلس شورا یکی از نمایندگان میگوید :

... اطفالی هستند کمتر از ۱۲ سال در مقابل کارخانه‌ها و کارگاهها ، کارگرانی را می بینید که پنك روی سندان میکوبند و پای کوره‌ها میایستند و کار های بسیار زجر آور و شاقی به آنها تحمیل میشود (خاك وخون ۴ آذر ۱۳۴۷)

«پارك» ۱۱ سلسبیل

اطلاعات در شماره ۲۶ آذر خود ، زندگی مردم غرب تهران یعنی محله «سلسبیل» را اینطور توصیف میکند ، خبر نگار اطلاعات مینویسد :

«یك خانه ۲۵ متری که یك زن و شوهر و ۵ بچه در آن زندگی میکنند . حیاط حوض دارد و حاشیه‌ای باریك که ما بر آن ایستاده‌ایم و بچه ها که میآیند حاشیه حیاط پر میشود » در یك کوچه سلسبیل ۱۱ هزار، کودك بمدرسه میروند و با این وجود «در غرب تهران خبر از پارك نیست» فقط یك پارك کوچك درست باندازه یك حیاط معمولی ساخته اند و چند تا سرسره و میگویند در هوای خوش بچه ها دو پشته می ایستند و نوبت نمیرسد » و تازه اینجا بهشت کودکان ایران است ، زیرا هزار ها کودك درروستا های کشور کارگاهها وکارخانه ها و زاغه‌های تهران در شرایطی بمراتب رقت بار تر بسر میبرند .

مطبوعات وفیلم در خدمت ابتذال

بی مناسبت نیست گوشه هائی از زندگی جوانان روشنفکر ایران و عدم‌منابعت آنانرا از مطبوعات مبتذل ، فیلم های بازاری آنانرا کتاب از زبان خودشان بشنویم. مجله «تلاش» مصاحبه‌ای با عده‌ای از دانشجویان نموده که در شماره آذر ۱۳۴۷ آن مجله‌درج است. یك‌دختر دانشجو دراین مصاحبه‌میگوید: «مجله های نسل جوان را ورق بزنید» در آن مجله ها چیز هائی هست که دولت انتشارآنهارا اجازه داده است . بیشتر مطالب این مجله ها، عبارتست از عکس عریان یا نیمه عریان هنر پیشه ها ، داستانهای شهوانی و تباه کننده و باور کنید آدم حتی در تنهائی خجالت میکشد آنها را مطالعه کند . من از خودم شرم میکنم . . . اگر توجه کنید می بینید جلوی بعضی از سینما ها نوشته شده ورود کمتر از ۱۸ سال ممنوع . ولی اگر به سینما یا تهیه ، اغراق نیست بگویم که بالاتر از ۱۸ سال نخواهید یافت ، و این یك وسیله تبلیغ‌شده برای صاحبان سرمایه ها . . .» همین دختر دانشجو در مورد ابتذال فیلم ها و گرانی کتاب میگوید :

«فیلم پتل ها رافورا به ایران میآورند ولی آیا شده یك فیلم علمی برای جوانان سه نمایش بگذارند . صحبت از مطالعه میکنند ولی قیمت بعضی کتابها سرسام آور است و چگونه یك جوان که بخرج پدر و مادر زندگی میکند قادر است از کتب مختلف استفاده کند . طبیعی است اگر شوق و ذوقی هم باشد فرومیپژمرد . »

با وجود چنین صحبت ها آیا میتوان مدعی شد که ایران در قرن بجلو پرتاب‌شده است ؟!

میثو

اعتراف به سوء استفاده مالکان بزرگ

طی ۶ ساله اجرای قانون اصلاحات ارضی ما بار ها و بار ها نوشته ایم و گفته ایم که مالکان بزرگ با سوء استفاده از ماده مربوط به «مساحت اراضی مکانیزه» توانسته اند با خرید یك تراکتور زنبیلهای رهاشوری را از شمول قانون خارج نموده و برای خود نگاه دارند . اکنون تأیید این واقعیت را از زبان مجله «تلاش» که نسبت بین اراضی «مکانیزه» را با زنبیلهائی که در آن تراکتور اندازه‌اند که تا بحثی «مکانیزه» جا بزنند نشان میدهد بشنوید :

«از ۶ میلیون هکتار اراضی زیر کشت فقط ۱۰۰ هزار هکتار آن مکانیزه است ، اما مساحت اراضی که در کشور یا ترا کتور شخم میشود بین ۲ تا ۳ میلیون هکتار است .» (مجله تلاش ـ شماره ۱۳ آذر ۱۳۴۷)

با پوزش

از خوانندگان گرامی

انتشار این شماره ماهنامه مردم به علت اشکالات به تأخیر افتاد .

دنباله از صفحه ۱

نظری به مناسبات اعراب و اسرائیل و بحران خاور میانه

مدرن ترین سلاحهای جنگی حتی سلاحهای هسته ای و صحبت از الحاق اسرائیل به پیمان نظامی آتلانتیک شمالی هدفی جز تصاحب ابدی زمینهای اشغالی و ادامه توسعه طلبی اسرائیل در بر ندارد.

راههای رفع بحران خاور میانه

اکنون این مسئله بصورت حادی مطرح است که برای پایان دادن باین بحران خطرناک که نقطه یك جنگ جهانی را در خود میپرورد، چه باید کرد؟ چه راه حلهائی میتوان یافت که باین وضع پایان بخشد و آرامش را دراین منطقه حساس جهان برقرار کند؟ بطوریکه معلوم است شورای امنیت سازمان ملل متحد باتفاق آراء در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ قراری صادر کرد و بدنبال آن نماینده ای بنام دکتر یارینگ مأمور مذاکره با کشور های متخاصم برای فراهم آوردن مقدمات اجرای این قرار شد. در این قرار تخلیه اراضی اشغالی پس از جنگ ۵ ژوئن ۱۹۶۷، تضمین مرز های کشور های این منطقه و حل مسئله بیت المقدس و آوارگان عرب پیش بینی شده است. در واقع شورای امنیت راه حلی سیاسی برای رفع بحران خاور میانه نشان داد. از این چهار کشور همسایه اسرائیل سه کشور از جمله مصر که بزرگترین کشور عربی این منطقه است با قبول قرار شورای امنیت با راه حل سیاسی این بحران موافقت کردند تنها کشور سوریه که آن نیز مستقیماً مورد تجاوز قرار گرفته و قسمتی از خاك خود را از دست داده است از موافقت خود داری کرد، اما عدم موافقت سوریه بدانمعنی نیست که سوریه از قبول یك راه حل عادلانه از طریق سیاسی سر باز میزند. در ۲۰ ژانویه ۱۹۶۸ وزیر خارجه سوریه در باره طرح پیشنهادی اتحاد شوروی برای اجرای قرار شورای امنیت چنین اعلام کرد: «کوششهای این کشور (اتحاد شوروی) بهان اندازه پر ارزش هستند که کمکهائی که این کشور دائماً بکشور های عربی نموده است». دولت فرانسه نیز پیشنهادی مبنی بر لزوم همکاری چهار قدرت بزرگ و دبیر کل سازمان ملل متحد بمنظور برقراری یك صلح عادلانه و مداوم در خاور میانه نمود که مورد توافق اوثانت دبیر کل سازمان ملل متحد قرار گرفت و اتحاد شوروی آمادگی خود را در اجرای این پیشنهاد که با کوشش آن دولت برای حل فوری بحران خاور میانه بطریقی صلح آمیز بر اساس تصمیم شورای امنیت توافق دارد، اعلام داشت. رئیس جمهوری مصر در ۳۰ ژانویه امسال هنگام افتتاح مجلس ملی مصر گفت که: «اگر مذاکره های سیاسی برای از بین بردن نتایج تجاوز به نتیجه برسند باید راه آنها را باز گذاشت و مانع دشمن باشد که از بین در ۱۳ ژانویه مدیر مصاحبه رادیوئی اظهار کرد که: «من قبول دارم که باید از همکاری قدرتهای بزرگ برای تأمین پیشرفت صلح آمیز و عادلانه حل مسائل خاور میانه استقبال نمود». بطور کلی صرفنظر از بعضی اختلافات که در بین نظرات کشور های عربی وجود دارد، در مجموع خود مخالف با حل مسئله از طریق سیاسی بنحوی عادلانه نمیباشد.

روش اعضاء شورای امنیت

بدیهی است که در بین چهار قدرت بزرگ جهانی اعضای دائمی شورای امنیت، کشور اتحاد شوروی از همان آغاز تجاوز اسرائیل باعراب تمام کوشش خود را بکار برده و میبرد تا از طریق سیاسی بحران خاور میانه پایان یابد. مناطق اشغالی از طرف اسرائیل بکشور های اصلی خود باز گردد و اختلافات موجود بین اعراب و اسرائیل با تضمین مرز های آنها و حل مسئله اعراب رانده شده از فلسطین بنحوی عادلانه، مرتفع شود و بدینطریق یکی از کانونهای خطرناك جنگ جهانی از بین برود. دولت فرانسه نیز در طول زمان بعلت رویه خشونت آمیز و تجاوز کارانه اسرائیل که بهیچوجه حاضر بقبول راه حل شورای امنیت نیست، سیاست بالنسبه قاطعی مبنی بر منع صدور اسلحه به اسرائیل و کوشش برای جلب همکاری چهار قدرت بزرگ و سازمان ملل بمنظور حل بحران از طریق سیاسی اتخاذ کرد. رویه انگلستان و امریکا در تمام مدت این بحران در روئی و بازی دو گانه بوده است امپریالیسم امریکا تحت تأثیر فشار افکار عمومی جهان بقرار شورای امنیت رأی داد ولی در پشت پرده و در عمل از اسرائیل حمایت و آنرا تشویق نمود هنگام انتخابات ریاست جمهوری در امریکا هر دو نامزد چه همفری و چه نیکسون پشتیبانی خود را از اسرائیل اعلام داشتند. نتیجه سیاست مزورانه امریکا این بود که کوشش دکتر یارینگ نماینده سازمان ملل بجائی نرسید و اسرائیل از این نظر که باید هر یك از کشور های عربی جداگانه و مستقیم وارد مذاکره شوند، دست برنداشت. حقیقت اینست که اسرائیل از وقت گذرانی برای تثبیت قدرت خود در مناطق اشغالی استفاده میکند همچنانکه دو بار دیگر این سیاست را اجرا کرد. یکبار برای تصرف خاك فلسطین و بار دیگر برای تصرف بندر ایلات در خلیج عقبه.

اسرائیل وخامت را تشدید میکند

ارتجاعی ترین محافل اسرائیل طرفدار تشدید بحران، حفظ تمام مناطق اشغالی و آماده کردن اسرائیل برای تجاوز تازه ای هستند. موشه دایان در جواب یکی از خبر گزاران دراسریکا که پرسید آیا صحیح است که اسرائیل حاضر است بخشی از زمینهای اشغالی را باز پس دهد، گفت: «خوب بود می‌دانستم کدام احمق چنین حرفی زده است». ایگال الون، وزیر خارجه اسرائیل در مصاحبه با رادیو لوکزامبورگ در ۱۵ نوامبر گذشته باین سئوال که آیا از طریق شورای امنیت و یا همکاری چهار کشور بزرگ طبق پیشنهاد فرانسه امکان حل بحران وجود دارد جواب داد که: «ابداً! خیر! تحت هیچگونه شرایطی قابل قبول نیست». بدیهی است که این محافل بدون داشتن پشت گرمی در محافل تند رو امپریالیستی امریکا و آلمان غربی با چنین غرور و شدتی راه حل سیاسی بحران را رد نمیکنند. نتیجه طبیعی چنین سیاستی از طرف اسرائیل یا باید تسلیم بلاشرط اعراب و یا برانگیختن هر چه بیشتر آنها بتوسل به زور و اسلحه و در یك کلام ادامه وخامت اوضاع باشد و چون مسلم است که اعراب از حقوق مسلم خود صرفنظر نخواهند کرد و با تمام وسائل از خود دفاع خواهند نمود لذا اوضاع وخیم تر و بحران تشدید خواهد شد جالب توجه است که گروه مائوتسه تونگ نیز از این سیاست اسرائیل نهایت رضایت را دارند زیرا آنها با کمال صراحت هر گونه راه حل سیاسی را رد کرده و کوشش میکنند که افکار عمومی کشور های عربی را سوی حل نظامی سوق دهند و هر چه بیشتر بحران را تشدید نمایند. روزنامه ژین مین ژیباو در ٦ ژانویه نظر حکومت پکن را چنین بیان میکند: «این باصطلاح حل سیاسی... ملل عربی را پشت تاریکی قرار نخواهد داد. افکار عمومی کشور های عربی نشان میدهد که تنها راه صحیح مبارزه علیه تجاوز ادامه مبارزه سرسختانه و مسلحانه است. افکار عمومی علیه این بازی شومی است که امپریالیستهای امریکائی و رویزیونیستهای شوروی با «حل سیاسی» میکنند». در واقع پکن و همار ترین محافل اسرائیلی و امریکائی در یك جبهه سیاسی قرار دارند برای پکن مسئله مهم وجود بحران و تشدید آن ولو بقیمت خطر آنچنان وخامتی است که اتحاد شوروی و امریکا را در جهت برخورد نظامی سوق دهد. پکن خوب میداند که تنها شوروی بود که توانست با اقدامات سیاسی خود پیشرفت برق آسای نیرو های اسرائیل را در کشور های عربی متوقف کند و پکن نه قادر بود و نه میخواست که جلو متجاوز گرفته شود لذا توقف نیرو های اسرائیل و آتش بس را بعنوان خیانت بملل عربی تلقی و اعلام کرد!!

تکامل حوادث از کدام سو است؟

حال به ببینیم تکامل حوادث در کدام جهت است آیا راه حل سیاسی واقعاً وجود ندارد؟ آیا فقط تسلیم یا جنگ در صحنه تراژدی حل بحران هستند؟ واقعیات نشان میدهند که برخلاف تصور ماجراجویان اسرائیلی و چینی امکان حل بحران خاور میانه بدلائلی عینی و واقعی وجود دارد و در حال حاضر امید به یافتن چنین راه حلی از هر وقت بیشتر است. این عوامل واقعی از اینقرارند، کشور های عربی متخاصم که هم مرز اسرائیل هستند تمام ضایعات جنگ را در نتیجه کمك فوری اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی جبران کرده‌اند ارتش های این کشورها بخصوص مصر تجدید سازمان کرده و در طول زمان کیفیت آنها بالا رفته است مقاومت اعراب در مناطق اشغالی بطور روز افزونی تشدید شده است، افکار عمومی جهان علیرغم تبلیغات شدید صهیونیستها در اروپا و امریکا خواهان حل مسالمت آمیز و عادلانه بحران است. اتحاد شوروی با تمام قوا کوشش میکند که از طریق سیاسی قرار شورای امنیت اجرا گردد، در انگلستان و امریکا محافل معتدل تر و معقول تری وجود دارند که توسعه کانون خطر جنگ در خاور میانه و ادامه بحران را حتی بنفع انحصار های نفتی نمیدانند، در اسرائیل نیز بتدریج این مسئله درك میشود که با وجود پشتیبانی بیدریغ کشور نیرومند چون اتحاد شوروی علیرغم پیشرفتهای موقتی نظامی اسرائیل، ملل عرب که امروز بیش از هر وقت آماده بدفاع از حقوق خود شده‌اند بعیدترین اراضی اشغالی و توسعه تجاوز امکان پذیر نیست. بر اساس چنین واقعیاتی است که پکن دوشن رئیس جمهور امریکا در مذاکرات خود با دو گل پیشنهاد فرانسه را مورد قبول قرار داد و بار دیگر یارینگ روانهٔ خاور میانه شد تا مذاکرات خود را با کشور های متخاصم از نو آغاز کند. اسرائیل باید مناطق اشغالی را تخلیه نماید، مسئله آوارگان باید بطرزی عادلانه حل شود، مرز های کشور های این منطقه از جمله اسرائیل از طرف خود کشور ها و چهار قدرت بزرگ جهانی و سازمان ملل متحد تضمین گردد. تا باین بحران که فقط سود معاقل جنگ طلب امپریالیستی و ماجراجویان چینی را خانه داده شود، تکامل حوادث هم در حال حاضر در چنین جهتی است.

۱. گویا

کهنه چاپلوس

از سخنرانی مسعودی مدیر اطلاعات در وصف «شاهنشاه آریامهر»: «بزرگترین الفبائهای عالم سخنان شاهنشاه را باخط درشت درفکار خود یادداشت میکنند»

چه خوب شد جناب آقای مسعودی برای چاپلوسی از هرکوتاه اندیشی تصریح فرموده اند که: «نه فقط الفبائه های عالم، بلکه بزرگترین آنها»، «نه فقط باخط ریز بلکه با خط درشت»، «نه فقط در دفتر بلکه در دفاتر خود یادداشت میکنند».

تغییر آدرس رادیو پیك ایران

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در اسکاندیناوی (سوئد) با رادیو پیك ایران، «صدای مردم»، «مجله دنیا» و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای پخش رادیو و معلومات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

دنباله از صفحه ۱

برخی از جوانب مبارزات زنان ایران در راه برابری حقوق

زن و دختر کارگر ، دهقان ، خانه‌دار ، معلم دانشجو ، پرستار و کارمند را به مبارزه‌صنفی و سیاسی کشاند . مبارزات پر دامنه زنان و دختران در سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۳۲ از درخشانترین صفحات تاریخ مبارزه زنان در قرن اخیر است . میلیان رژیم به عمد میکوشند تا بیست‌وطولانی مبارزات زنان را متزکرشوند و چند گام‌عقب نشینی سالهای اخیر راباسلب «عطیه ملوکانه» بگذارند . اما ۱ کثریت‌مردم ایران‌مبارزات‌زنان‌را(لااقل در ۲۰-۱۰ سال‌قبل از کودتافراموش‌نکرده‌اند‌فراموش‌نکرده‌اند که هرروز در کوشه و کنار کشور تعداد زیادی از زنان‌ودختران بجرم شرکت در اعتصابات کارخانه ها برای تساوی دستمزد و شرایط عادلانه کار ، شرکت در مبارزات دهقانان علیه ستم اربابان و ظلم ژاندارم ، شرکت در مبارزه‌ای انتخاباتی برای تأمین حق رأی ، شرکت در دموننستراسیونهای عظیم صلح ، شرکت در تظاهرات وسیع علیه ارتجاع و امپریالیسم بدست مأموران پلیس، کارآگاهی و ارتش‌مضروب‌ومجروح یا توقیف و زندانی میشدند . شعارتساوی حقوق زن و مرد که امروز تظاهریه آن‌از انتخابات هیئت حاکمه است از اصیل ترین شعار های حزب ماست که حامیان آن تا چند سال پیش چون مادیان کفر و زندقه بدست مأموران شاه عقوبت میشدند . برای رد دعاوی کسانی که حق رأی زنان را از اینکارات شاهنشاه میدانند کافی است یاد آورشویم که از بعد از جنگ جهانی دوم تا کنون ، در بیش از ۸۰ کشور ، زنان حق رأی بدست آورده‌اند و اتفاقا مقاومت رژیم ضد خود کراتیک ایران در برابر این خواست منطقی موجب شد که ایران در ردیف آخرین کشور هائی قرار گیرد ، حق رأی زنان را برسمیت شناخته‌اند.

اکنون رژیم‌شاه بملال دعاوی رژیم مدعی است که گویا با شناختن حق رأی و برخی تغییرات در قانون مدنی نهضت زنان به هدفهای غایهٔ خود نائل آمده است و زنان ایران‌از عاقلترین و کامترین حقوق اجتماعی بهره‌مند میباشند (اصلاحات ۶ مارس ۱۳۴۶) این ادعا پوچ بدون محتوی و گمراه کننده است . آنچه بدیهی است آنست که هدفهای عالیه نهضت زنان ایران از نظر حزب ما که پرچمدارمار کسیسم‌لنینیسم است قطعاتکامی بطور کامل تحقق خواهد یافت که تحولات بنیادی در نظام اجتماعی کشور ما پدید آید. پیشرفتهای خیره کننده زنان در کشور اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی به درخشانترین‌وجهی اثبات کرده است که‌زنان فقط در سایه استقرار سوسیالیسم به برابری کامل خواهندرسید . برای نمونه فقط به‌ارائه چند فاکت ۱ کتفا میورزیم :

در شوروی عالی اتحاد شوروی ۳۸ در صد کل نمایندگان زن هستند . این رقم‌تنی پیش از تعداد نمایندگان زن در کلیه کشور های سرمایه داری است . ریاست ۶ جمهوری خود مختار شوروی را زنان بعهده دارند واز ۱۵ وزیر خدمات‌اجتماعی در جمهوری‌شوروی ۱۰ نفر زن هستند . در اتحاد شوروی ۷۳ در صد پزشکان را زنان تشکیل میدهند ولی در امریکا فقط۷ درصد . یك سوم مهندسان شوروی ۶۰۰ درصد کار شناسان اقتصاد و ۴۵ در صد دانشمندان شوروی را زنان تشکیل میدهند . والتینا ترشکوا نخستین زن فضا نورد از میان زنان کشور شوروی بسر خاسته و هم اکنون برای پرواز های آینده تحقیقات فضائی گروهی از زنان تحت تعلیم هستند . در مجارستان از هر ۱۰۰ دادستان و قاضی۶۵ نفر آنها زن هستند . درجمهوری دموکراتیك آلمان یك سوم کرسی های نمایندگی مجلس به زنان تعلق دارد ، در کشور مغولستان نیمی از کارکنان مؤسسات صنعتی‌وزنان تشکیل میدهند و در بزرگترین مؤسسه صنعتی مغولستان ۶۰ در صدکارکنان زن هستند . در سایر کشور های سوسیالیستی نیز پیشرفت زنان چشمگیر و خیره کننده است. بنا بر این اقدامات‌سطحی و ناقص رژیم نه تنها تحقق هدفهای عالیه نهضت زنان» نیست ، بلکه حتی در پیشرفته ترین کشور های سرمایه‌داری هم ، برابری کامل حقوق برای زن و مرد وجود ندارد . تضمین کننده رهائی کامل زن در گرتوحول بنیادی در نظام اجتماعی ایران است . این شعار استراتژیك ماست که در راه تحقق آن مبارزه میکنیم . ولی این بدانمعنی نیست که ما از وظایف عاجل و تا کنیکی خود در برابر جنبش مترقی زنان غافل بمانیم فقط بر روی شعار استراتژیك خود تکیه کنیم ، زنان را از مبارزه در راه شعار هائی که به تجهیز و تشکل آنان کمك میکند باز داریم و فقط بگفتاره و آنهم راه «انقلاب‌مسلحانه» را به‌آنها نشان‌دهیم . «چپ‌رو» ها میگویند «راهی جز انقلاب مسلحانه برای زنان زحمتکش وجود ندارد» ولی نمیگویند که تا نضج شرایط لازم برای انقلاب مسلحانه زنان چه وظایفی را باید انجام دهند ؟ پایش کشیدن خواستهای صنفی و مبارزه در راه آن میتوان و باید آگاهی سیاسی زنان را بالا برد و قشر پیشرو آنرا به مبارزه سیاسی جلب کرد.

زنان و دخترانی که نه تسلیم به دعاوی و با وجود سلطه استبداد و نه «انقلاب مسلحانه» در کارگاهها و کارخانه ها ، روستا ها ، دانشگاه ها ، ادارات و مؤسسات دولتی ، در سازمانهای موجود زنان ولو بطور محدود مبارزه میکنند عملا نشان داده‌اند که نه متون دعاوی رژیم شیفته و نه شعار «انقلاب‌مسلحانه» را در شرایط‌مشخص کنونی واقعی میدانند . زنان پیشرو و مترقی بدرستی دریافته‌اند که باید با حد اکثر استفاده از امکانات علنی و بکار بردن اشکال وشیوه های گوناگون مبارزه و یافتن تجهیز کننده ترین شعارها دامنه مبارزه را درمیان قشرهای مختلف‌زنان‌بسط دهند . در حقیقت هم مبارزه عرصه‌ای وسیع و اشکالی متنوع دارد . محرومیت دوگانه زنان در اجتماع و خانواده یافتن تجهیز کننده ترین شعار ها را برای جلب قشر های وسیع زنان آسان میکند و اشکال آنرا متنوع میسازد . باید با طرح اینگونه شعارها هر چه بیشتر شوق مبارزه‌را در زنان برانگیخت . سازمانهای موجودزنان علیرغم جواب ارتجاعی آنها ، عرصه‌ای‌است قانونی‌برای‌طرح این شعار ها . تاندوست‌است که شرکت در سازمانهای موجود را به آن علت که گردانندگان دربساری و یا زیر نفوذ دربارند تحریم کرد و بامید روزی‌نشست که اوضاع و احوال امکان مبارزه را برای سازمانهای واقعی زنان فراهم آورد ، مبارزه برای ایجاد سازمانهای واقعی زنان هم کمتر متنفی نیست اما این مبارزه نباید از مبارزه برای‌تبدیل‌همین سازمانها به سازمانهای‌واقعی جدا باشد . برای اینکه سازمانهای موجود مجبور به مبارزه در راه خواستهای منطقی زنان شوند شرکت هرچه بیشتر توده زنان در آنها و طرح خواستهاشان ضروری‌است . نباید اجازه داد، که فعالیت این سازمانها ، آنطور که دربار مایل است در چارچوب اقدامات جزئی مبارزه با بیسوادی و پرداختن به امور خیره محدود بماند . باید با فعالیت مستمر ، این سازمانها را بسوی مبارزهٔ زنان در راه برابری حقوق سوق داد . بر خلاف دعاوی بر سر و صدای رژیم ، آزادی واقعی برای زنان ایران وجود ندارد و تا آزادی واقعی هنوز مجاهدات فراوان درپیش است. مادبا شاه، بنام هشتم، مارس به کلیه زنان ایران ، مستقلیم که زنان مترقی باید با توجه به اهمیت‌خطیر مسئولیت خود در این‌مجاهدات پیشگام باشند.

مینو

دنباله از صفحه ۱

انتخابات انجمنهای دانشجوئی

دانشجوئی بچاره جوئی برخاستند و تا گهان شاه ، فردیکه بارها فریادهای خشم دانشجویان را بزور سر نیزه خاموش کرده است ، این بار پرچمدار «انقلاب آموزشی» شد. قطعنامه پشت قطعنامه و سند پشت سند صادر گردید. برای آنکه جنبش دانشجویان ایران ، ازموج جنبش دانشجوئی در کشورهای سرمایه داری و نو استقلال و تبه مستعمره بر کنار بماند ، ناگهان «خواستهای» دانشجویان از دهان شاه بیرون میآید ، او دستور میدهد که مشکل شهریه «حل» شود و انجمنهای دانشجوئی فورا تشکیل گردند . دانشجویان چنانکه در شماره ۴۵ مردم توضیح دادیم ، دیدند که مشکل شهریه چگونه «حل» شد و موضوع انتخابات انجمنها باقی ماند که آنهم بخوبی و خوشی بر گزار گردید.

کنفرانس رامسر ، مقررات اساسنامه مربوط به تشکیل انجمنهای صنفی دانشجوئی را در سند ضمیمه قطعنامه کنفرانس اعلام نمود . در این سند سعی شده است که انجمن های دانشجوئی سدی دربرابرجنبش دانشجوئی گردند و مقام آنها تنزل یابد و تابع مقامات دانشگاهی شوند . همچنین حقوق و وظایف آنها بحد اقل تنزل یابد . گردانندگان کنفرانس رامسر مقررات انتخابات نمایندگان دانشجویان را بطوری تدوین کرده اند که دانشجویان نتوانند نماینده‌گان واقعی خود را انتخاب کنند . دارا بودن معدل «ب» (معدل ۱۴ بالا) نداشتن سابقه «محکومیت» دارا بودن صلاحیت اخلاقی ؟ باین ترتیب نه تنها عده ای بعلت نداشتن معدل بے محروم خواهند شد ، بلکه مقامات دانشگاه میتوانند هر کسی را که بخواهند بیهانه داشتن سابقهٔ محکومیت یا «صلاحیت اخلاقی» از حق انتخاب شدن محروم کنند . در انتخابات اخیر حتی این مقررات را نیز کافی ندانسته و موانع دیگری را نیز بوجود آوردند، مثلا انتخابات دانشکده ها در یکروز صورت نگرفت تا در مقابل اعتراض متحد دانشجویان قرار نگیرد ، یا لیست نامزد ها از پیش تعیین شده و روز قبل از انجام انتخابات باطلاع دانشجویان رسانده شد . در جریان بر گزاری انتخابات ترا کنهای زیادی از طرف دانشجویان پخش شد . در یکی از این ترا کتها از جمله گفته شده بود «دوستان دانشجو ! سازمان صنفی بیانگر خواسته های شماست ، نگذارید مهره های بی اراده مقامات دانشگاه سرنوشت تحصیلی‌شما را تعیین کنند . . . » مقررات غیر دمکراتیك و موانع ضد دانشجوئی باعث‌شد که دانشجویان عملا نتوانند درانتخابات‌شرکت کنند و آنوقت اولیای‌امور این عدم شرکت را که خود موانع آنرا بوجود آورده بودند طبق معمول ناشی از «عدم علاقهٔ دانشجویان به شرکت در امور اجتماعی» دانستند.

در مرحله فعلی دانشجویان برای تبدیل سازمان فعلی دانشجوئی ، بیك سازمان‌واقعی دانشجوئی مبارزه میکنند و قبل از هر چیز دانشجویان‌را برای لغو مقررات غیردمکراتیك انتخابات ، بسیج مینمایند . دانشجویان میگویند همهٔ دانشجویان حق‌دارند در انتخابات‌شرکت کنند و انتخاب شوند ، تشخیص دانشجویان در مورد صلاحیت اخلاقی نماینده گان منتخب خود کافیست ، و ارادهٔ اکثریت دانشجویان بهترین ملاك تعیین صلاحیت نماینده‌گان آنها است . دانشجویان آگاه دانشگاه از هم اکنون با مبارزهٔ پیگیر و فعال خود برای انتخابات آینده آماده میشوند و برای تبدیل انجمنهای صنفی دانشجوئی به مظهر ارادهٔ اکثریت دانشجویان تلاش مینمایند . اتحاد و مبارزه ضامن پیروزی دانشجویان است .

دنباله از صفحه ۱

کنگره جهانی زنان

در راه استقلال ملی و صلح و برقراری دموکراسی کمك خواهد کرد و این عوامل را ضامن اصلی تأمین حقوق زنان میداند .

زنان مترقی ایران وظیفه دارند در این مجمع مهم جهانی برای نشان‌دادن وضع زن ایرانی که دچار ستم و محرومیت دوگانه صنفی و اجتماعی است شرکت چونه وشعار های‌نیم بند «اصلاحاتی» رژیم را افشاء کنند و شعار های درست و پیگیر تشکل و مبارزه زن ایرانی‌را برای رهائی ازقید محرومیتهای صنفی و اجتماعی مطرح سازند . ش. ا.

گزارش آقای لوئیجی کاوالیری

در باره «داد رسی» چهارده تن از روشنفکران ایرانی در دادگاه نظامی تهران

• جمعیت حقوقدانان دمکرات، خلاصه ای از گزارش آقای لوئیجی کاوالیری، وکیل دادگستری رم را که بعنوان ناظر این جمعیت در محاکمه ۱۴ روشنفکر ایرانی (۲۰ صفحه ۱۹۶۸ تا ۱۵ ژانویه ۱۹۶۹) در دادگاه نظامی تهران، پایتخت رفته بود، نشر داده است. ما عین مطالب منتشره را ترجمه و در اختیار خوانندگان می گذاریم. باز میکنیم تصریح میکنیم که دفاع از حقوق دمکراتیك کلیه کسانی که مورد تجاوز و خود سری دستگاه جابر رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیك قرار میگیرند وظیفهٔ مقدس و ما این وظیفه را صرف نظر از عقاید و افکار کسانی که قربانی خود سری قرار میگیرند و موافقت و یا مخالفت حزب خود با این افکار انجام میدهیم.

ماههای سکوت

در آغاز سال ۱۹۶۸ پلیس سیاسی ایران (ساواك) متهمین را دستگیر کرد. ماهها مقامات دولتی در باره این باز داشتها و تمارك دادرسی ساکت بودند. مطبوعات ایران تنها روز گشایش دادرسی از آن سخن گفتند.

جمعیت حقوقدانان در اواسط نوامبر از منابع موثق اطلاع یافت که ۱۷ تن روشنفکر بازداشت شده بدادگاه نظامی تهران جلب خواهند شد و موافق ماده ۳۱۷ قانون جزائی ارتش و باتهام توطئه علیه رژیم و کوشش برای تغییر رژیم سلطنت و تحریك مردم به شورش علیه آن برای آنها تقاضای اعدام خواهد شد.

از آنجا که مقامات ایرانی در این باره ساکت بودند جمعیت حقوقدانان آقای «آندره تماس» وکیل دادگستری برو کسل را مأمور کرد برای کسب اطلاع به ایران برود.

آقای آندره تماس ۲۷ نوامبر وارد تهران شد. پس از چند روز اقدام یك سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه تأیید کرد که دادرسی در شرف تکوین است. با اینحال سخنگوی نامبرده به دادن اطلاعات زیرین اکتفا ورزید: بازجوئی خاتمه یافته است؛ ۱۴۱ نفر متهم هستند که ۱۷ نفر؛ رؤسای متهمین هنوز شناخته شده نیستند؛ هنوز نبتوان نام متهمین را پخش کرد؛ متهمین هنوز نتوانسته اند مدافعین خود را معین کنند؛ دادرسی علنی خواهد بود؛ مقامات دولتی ایران علاقمند احترام به اصول اعلامیه حقوق بشرند؛ ناظران قضائی میتوانند در دادگاه شرکت کنند.

سه هفته بعد از این اظهارات هیچ اطلاع دقیق و تازه ای بدست نیامد. جمعیت حقوقدانان از آقای کاوالیری خواست که در آستان سال نو برای کسب اطلاع به تهران برود و اگر ممکن باشد در دادرسی حضور یابد.

گشایش دادرسی

آقای کاوالیری پس از ورود به تهران مشاهده کرد که نه در مطبوعات و نه در محافل سیاسی هیچگونه اطلاعی نتوان بدست آورد. پس از اقدام در وزارت امور خارجه با معاون وزارت اطلاعات ملاقات کرد که سرانجام بوی اعلام داشت که دادرسی روز ۳۰ دسامبر افتتاح خواهد یافت و بوی اطمینان داد که بروانه ورود دائم برای حضور درجلسات برای ایرادات و کلای مدافع را رد کرد و اعلام داشت که مطلب باید به دادگاه احاله شود. راجع به مخدوش بودن برخی از صورتجلسات گفت برخی امضا های متهمین از این صورتجلسات بدون آنکه قاضی تحقیق سندی دائر به توضیح علت حذف بودن امضاء ارائه کند پاك شده است و پدیدان دادستان عملا وارد بودن اظهارات و کلای مدافع را در باره نادرستی بسیاری از صورتجلسات پذیرفته است.

فقدان دلایل و گواهان

در جریان رسیدگی ماهوی که در چهارمین جلسه آغاز شد متهمین موارد گوناگون اتهام را رد کردند. برگه های اتهام که عبارت بود از چهار رولور، دو جفت دستکش بوکس، دو افزار مکانیکی، دو وزنه، سه شناسنامه و سه گذرنامه با شدت اتهامات وارده تناسبی نداشته است. صورت جلسات مربوط به ورود در منازل متهمین به توقیف اثاثیه خانه آنها میکند و تفتیش خانه ها منجر به ضبط مقداری کتب فنی و فرهنگی که آزادانه در تهران بفروش میرسد شده است. فقدان دلایل کاملا نظر گیر بود. باید متذکر شد که حتی در جریان بازجوئیهای مربوط به سازمان امنیت هیچگونه گواهی احضار نگردیده است.

حکم دادگاه

سرانجام پس از دو هفته جلسه، دادگاه نظامی بیژن جزنی را به ۱۵ سال حبس محکوم کرد. ۷ متهم دیگر به مجازات ده سال زندان و ۶ متهم دیگر بمجازاتهائی از ۳ تا ۸ سال زندان محکوم شدند. این مجازاتها بسیار سنگین است. با اینحال باید گفت در آغاز برای هشت متهم تقاضای مجازات اعدام شده بود.

آقای «کاوالیری» در نتیجه گیری از گزارش خود تأکید میکند که حضور ناظران خارجی و مطبوعات بین المللی، اقدام شخصیتها و سازمانهای جهان تأثیر معین برضد خودسری کامل در مورد محاکمات سیاسی و اجرای اصول حقوقی دارد.

و اما در باره محاکمه تجدید نظر ۱۴ روشنفکر ایرانی و دادرسی های دیگری از این نوع و بطور عموم وضع زندانیان سیاسی لازم است که حقوقدانان بویژه از طریق ابتکارات و مداخلات خود باین نتیجه دست یابند که به موازین قانون اساسی و اصول اعلامیه حقوق بشر احترام اکید گذارده شود، زندانیان سیاسی آزاد گردند و فشار و تشدید متوقف شود.

از افسران در نظر گرفته شدند.

تنها ۱۰ روز قبل از گشایش دادرسی متهمین امکان یافتند با وکلای تسخیری خود تماس گیرند.

شایان ذکر است که یکی از وکلای مدافع بنام سرهنگ بهره وری علیرغم اعلام سریعش در باره دفاع از برخی از متهمین بدون تشکیل هیئت مدافعه و بدون وکیل مدافع کمکی یا جانشین، به محض اینکه سخنان خود را به پایان رسانید تالار دادگاه را ترك کرد و در دفاعیه همکاران خودش و حتی در دفاع ازمو کلین خودش حضور نیافت.

بازداشت خودسرانه

جزء ایرادات بدوی از طرف وکلای مدافع، مخدوش بودن عمل بازداشت پیش از ۲۴ ساعت بدون صدور حکم بازداشت وبدون بازجوئی مطبوع شد. این بازداشت خود سرانه مدت طولانی ادامه یافته و این عمل نقض مقررات اصول محاکمائی ایران و همچنین ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر است.

سوء رفتار و شکنجه ها

۱۰ تن ازمتهمین در باره وجودشکنجه و سوء رفتار که خود در جریان باز داشت علیرغم ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر در معرض آن قرار گرفته بودند اظهاراتی کردند.

گفته شد که قبلا اعتراضاتی در این باره انجام گرفته است که در اسناد دادگاه ضبط است یکی از متهمین بنام ظریفی متذکر گردید که او را دوازده روز در نتیجه زخم هائی که بر اثر شکنجه داشته ناگزیر در بیمارستان خوابانیدند. ۹ تن دیگر از متهمین نیز تصریح کردند که اظهارات آنها به زور شکنجه از آنها گرفته شده و آنها بعداً این اظهارات را تکذیب کردند. از اظهارات برخی متهمین و تماس آقای کاوالیری با برخی از آنها این نتیجه حاصل میشود که تعویق امر محاکمه بدین علت بوده است که میخواستند کلیه آثار شکنجه از بین برود.

از جمله سوء رفتاری که با متهمین شده است نکات زیرین ذکر شده است:

ادامه بازجوئی تا مدت ۵۰ ساعت

قرار دادن متهمین درحبس مجرد بمدت ۲۰ روز

بکار بردن حلقات فولادین برای فشردن اعضاء

سوزاندن دردناك بدن.

بی نظمیهای دیگر در جریان تحقیق

در دادگاه همچنین مخدوش بودن تعدادی از صورت جلسات یاد آوردی گردید، نه تنها بدین سبب که «ساواك» آنها را تنظیم کرده است و نه قاضی تحقیق، بلکه همچنین بدان دلیل که این اسناد نه تاریخ دارند و نه امضاء و حتی گاه نام طرف بازجوئی در اسناد ذکر نشده است. برخی از صورت جلسات دارای امضاء متهم نیست برخی دیگر را بطور جمعی برای عده ای از متهمین بدون مراعات مقررات دادرسی و با نقض ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر تنظیم کرده اند.

درهین حال باید متذکر شد که دادستان وی دریافت خواهد کرد.

مطبوعات ایران تنها روز گشایش داد رسی آنرا اعلام داشتند.

دادرسی در یك بنای بزرگ نظامی در شمیران جریان یافت. تالار دادرسی وسیع نبود و بسختی میتوانست اعضاء دادگاه و ۱۴ متهم و سه وکیل مدافع و چند ناظر و روزنامه نگار و دو خویشاوند از هر متهم و مأمورین انتظامی را در خود جای دهد. علاوه بر نماینده جمعیت حقوقدانان دو حقوقدان خارجی در این دادرسی حاضر بودند، یکی خانم احسن نماینده کمیته بین المللی بخشود گی و دیگری آقای ویلیام ویلسن وکیل مجلس انگلستان از حزب کارگر.

ناظران، روزنامه نگاران و خویشاوندان و دیگران تنها پس از دریافت پروانه ورود که بزحمت انجام میگرفت قادر بودند درجلسه دادرسی حضور یابند و این امر با اصل علنیت دادرسی که ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر آنرا تصریح میکند منافات دارد.

هویت متهمین

متهمین عبارت بودند از آقایان کلانتری (تکنیسین رادیو)، جزنی (کارمند سازمان سینمائی)، ظریفی (وکیل دادگستری)، کیا نژاد (مهندس مکانیك)، جویان زاده (معمار) شهر زاد (دارو ساز) سور کی (کارمند بانك مرکزی)، زاهدیان (حسابدار)، سرمدی (کارمند روزنامه)، افشار (معلم)، ایزدی (کارمند بانك کشاورزی)، احسن (دبیر)، رشیدی (مهندس)، نکهدار (دانشجو).

عدم صلاحیت دادگاه

به صلاحیت گشایش دادرسی متهمین به صلاحیت دادگاه نظامی و فقدان هیئت منصفه باستناد مواد ۱۰ و۷۱ و ۷۹ قانون اساسی ایران اعتراض کردند. طبق این مواد جرائم سیاسی و مطبوعاتی در صلاحیت دادگاه عادی جزائی با حضور هیئت منصفه است و در صلاحیت دادگاه نظامی نیست.

حقوق دفاع

متهمین بر خلاف تضمین هائی که از طرف حقوق مربوط به دفاع مندرجه در ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر داده شده موفق نشدند آزادانه و کلای مدافع خود را انتخاب کنند. آنها مجبور بودند که از روی یك فهرست ۳۹ افسر عالیرتبه باز نشسته و کلای تسخیری برای خویش بر گزینند و بدین ترتیب سه تن

ارزیابی یك ملت

از نظر امپریالیسم امریکا

«شورشهائی که در ترکیه بمناسبت رفتن لوکوئی ششم امریکا باین کشور رخ داده است برای بسیاری از امریکائیها زنده بوده و آنرا مثال عینی از روش آن سگی دانستند که دست کسی را نه باو نفذا میدهد و از او دفاع میکند گاز میگیرد. این شورش یك اشتباه بود.»

(اسپرسه‌ها نیویورك هرالد تریبون - ۱۹ فوریه ۱۹۶۹)